

الگوی مفهومی سازه تصور از خدا براساس اسماء الهی در آیات و روایات با نگاه روان‌شناختی

biria1390@gmail.com
hamidrafi2@gmail.com
Omid.ahad@gmail.com

محمدناصر سقایی بی‌ریا / استادیار گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
حمید رفیعی هنر / استادیار گروه روان‌شناسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

احد امیدی / کارشناس ارشد روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
دریافت: ۹۹/۰۲/۲۲ پذیرش: ۹۹/۰۶/۳۰

چکیده

«تصور از خدا» از جمله موضوعات مهمی است که ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تصور از خدا در هستی‌شناسی اسلامی محور دین‌داری افراد را تشکیل می‌دهد و عامل مهمی در شکل‌گیری و تحول باورهای مذهبی افراد تلقی می‌شود و از اساسی‌ترین جنبه‌های نظام اعتقادی افراد مؤمن می‌باشد. با توجه به تفاوت دیدگاه اسلام و روان‌شناسی از سازه تصور از خدا، بررسی آن براساس دیدگاه اسلام، ابعاد دیگری از سازه تصور از خدا را آشکار خواهد کرد. به این منظور، هدف پژوهش حاضر، بررسی سازه تصور از خدا براساس اسماء الهی در آیات و روایات است. اسم‌های الهی در قرآن کریم و روایت مشهور پیامبر اکرم ﷺ جمع‌آوری گردید و با توجه به روش تحلیل محتوا و نظریه حوزه‌های معناشناسی از قبیل هم‌معنایی، چندمعنایی، حوزه واژگانی، شمول‌معنایی و تحلیل مؤلفه‌ای مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. در نتیجه مشخص گردید سازه تصور از خدا براساس اسماء الهی، دارای دو بعد ذات و فعل می‌باشد؛ بعد ذات شامل سه محور ذاتیه، جلالیه و تقدیسیه است و بعد فعل شامل دو محور خلق و ربوبیت می‌باشد. محور خلق، شامل چهار مقوله عالمیت، خالقیت، مالکیت و قدرت است و محور ربوبیت شامل شش مقوله رحمانیت، غافریت، ناصریت، رازقیت، شاکریت و حاسبیت می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: الگو، الگوی مفهومی، تصور از خدا، اسماء الهی، آیات و روایات، نگاه روان‌شناختی.

مقدمه

از منظر قرآن مجید، فطرت انسان با معرفت خدا عجین شده است: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم: ۳۰). به همین خاطر، شناخت خدا همواره یکی از دغدغه‌های اصلی بشر بوده است (سعیدی‌مهر، ۱۳۹۴، ص ۲۵). هر فردی در زندگی خود، براساس آموزه‌ها و آموزش‌های دینی و تجربه‌های دوران زندگی، یک شناخت و تصویری از خداوند در نزد خویش پیدا می‌کند و با آن تصور زندگی کرده و می‌کند. پژوهشگران برای بررسی این تصورات و دیدگاه‌های شخصی یک فرد نسبت به خدا، از سه اصطلاح مفهوم خدا (God concept)، تصویر خدا (Imagine God)، و تصور از خدا (Image of god) استفاده کرده‌اند (هال و فوجیکاوا، ۲۰۱۳، ص ۲۷۷). یکی از آن اصطلاحات مهمی که پژوهش زیادی را به خودش اختصاص داده است، اصطلاح «تصور از خدا» است. تصور از خدا، در ادیان توحیدی از جایگاه بسیار مهمی برخوردار است. تعالیم اسلام و آموزه‌های دینی براساس سه اصل اعتقادات، اخلاق و احکام شکل گرفته است. اعتقادات در رأس آموزه‌های دینی قرار دارد و در رأس اصول اعتقادی، اعتقاد به خداوند و توحید قرار دارد. بنابراین اعتقاد به خداوند و تصویری که افراد از خداوند دارند، یک بحث محوری در مباحث هستی‌شناسی اسلامی می‌باشد. تصور از خدا در هستی‌شناسی اسلامی، محور دین‌داری افراد را تشکیل می‌دهد و عامل مهمی در تحول و شکل‌گیری باورهای مذهبی افراد تلقی شده و از اساسی‌ترین جنبه‌های نظام اعتقادی افراد مؤمن می‌باشد (علیانسب، ۱۳۹۱، ص ۹۹). زندگی دو انسان خدا باور که هر یک تصور خاصی از خدای خویش دارند، تفاوت‌های اساسی با همدیگر دارد. نوع تصور فرد از خدا، در انگیزه‌ها، نیت‌ها، داورها و کردارهای فرد دخالت دارد و شخصیت و هویت ویژه‌ای و معنا و مفهوم خاصی به زندگی فرد می‌بخشد (سعیدی‌مهر، ۱۳۹۴، ص ۲۵). منظور از تصور از خدا در آموزه‌های اسلامی تصور جسمانی نیست؛ چراکه خداوند جسم ندارد و هیچ چیزی شبیه و مثل او نمی‌باشد (شوری: ۱۱). بلکه تصور از خدا در اسم‌های الهی نمایان است. خداوند متعال در قرآن کریم اسم‌هایی برای خودش معرفی کرده و انتظار دارد که مردم خدا را با آن اسم‌ها

بشناسند و براساس آن اسم‌ها با او ارتباط بگیرند: «و الله الاسماء الحسنی فادعوه بها» (اعراف: ۱۸۰)؛ و تصورشان از خدا براساس آن اسم‌های الهی باشد (مصباح، ۱۳۹۱، ص ۹۷).

تصور از خدا در روان‌شناسی نیز، به جهت تأثیر زیادی که بر کارکردهای زندگی فردی و اجتماعی افراد دارد، مورد توجه روان‌شناسان قرار گرفته است. لارنس (Lawrence) معتقد است، تصور از خدا یک الگوی درون‌روان‌شناختی از تصورات و برداشت‌های افراد از خداوند می‌باشد، از اینکه فرد خدا را چگونه احساس می‌کند و چه تصویری نسبت به او دارد (لارنس، ۱۹۹۷، ص ۲۱۴). تصورات مردم از خدا، تقریباً در دو الگوی کلی تصور مثبت و منفی جای می‌گیرد. افرادی که تصور مثبتی از خداوند دارند، خدا را بخشنده، مهربان و دوست خود می‌دانند و با او رابطه صمیمانه برقرار می‌کنند و بهداشت روانی پایدارتری را تجربه می‌کنند و از زندگی خود بیشتر لذت می‌برند؛ در مقابل افرادی که تصور منفی از خدا دارند، خدا را به صورت منبعی از خشم، قهر و انتقام محض می‌شناسند و انسان را گناهکاری مبتلا به هیبوط و اسیر پنجه‌های این خدای خشمگین تصور می‌کنند. این الگو، خواسته یا ناخواسته هراس‌آور و اضطراب‌انگیز است و افرادی که براساس این الگو با خدا ارتباط برقرار می‌کنند، روزبه‌روز از سلامت روانی خود بیشتر فاصله می‌گیرند (خاکساری و خسروی، ۱۳۹۱، ص ۸۵). مشاوران و روان‌درمانگران در جلسات درمانی برای تغییر و ترمیم تصور از خدای افراد، از تصور منفی به مثبت، مداخلات روان‌شناختی انجام می‌دهند، و با تغییر دادن تصور از خدای مراجع، بر بسیاری از جنبه‌های زندگی او تأثیر می‌گذارند. تغییرات ایجادشده در تصورات افراد از خداوند، با رشد عاطفی و معنوی مرتبط است و مراجعان خدا را مهربان و دلسوز تصور می‌کنند (هال و فوجیکاوا، ۲۰۱۳، ص ۲۸۸).

با توجه به اینکه تصور از خدا امری همگانی است؛ ممکن است هوشیار یا ناهوشیار، رشدیافته یا رشد نایافته، سالم یا بیمارگونه، ساده یا پیچیده و مفید یا خطرناک باشد. اکثر مراجعان مراکز مشاوره، در عین حال که مسلمان بوده و خداوآوردند. ولی پژوهش‌های مختلف، غباری بناب و حلاذی کوهسار (۱۳۹۲)، (برادشاو و همکاران، ۲۰۰۸)، حاکی از آن است که این افراد تصورات منفی، تحریف شده یا

از چشم‌انداز روان‌شناسی اسلامی، اسم‌های الهی که در قرآن و روایات بیان شده، معنای عمیق روان‌شناختی دارد که تا به حال روان‌شناسان اسلامی به آن حساسیت چندانی نشان نداده‌اند (غباری‌بناب و حدادی کوهسار، ۱۳۹۲، ص ۷۳). لذا به نظر می‌رسد، از میان اسماء الهی که در قرآن کریم و روایت مشهور نبوی که ۹۹ نام، از اسم‌های الهی را برمی‌شمارد و در منابع شیعه از قبیل *توحید* شیخ صدوق (ص ۱۹۴)، *بحارالانوار مجلسی* (ج ۴، ص ۱۸۶)، *المیزان طباطبائی* (ج ۸، ص ۳۷۶)، *مجمع‌البیان و نورالتقلین* و منابع اهل سنت در کتاب *صحیح بخاری و صحیح مسلم* و ترمذی نقل شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۲۶)، می‌توان الگوی مفهومی از سازه تصور از خدا براساس اسماء الهی در آیات و روایات ارائه داد. ارائه الگوی مفهومی برای سازه تصور از خدا براساس اسماء الهی، باعث درک صحیح و عمیق تصور از خدا می‌شود و متخصصان امور تربیتی که نقش مؤثری در شکل‌گیری تصور از خدا دارند، می‌توانند برای شکل‌گیری تصور صحیح از خدا، در ذهن متربیان خویش، از مباحث این پژوهش استفاده کنند. متخصصان حوزه روان‌شناسی سلامت‌نگر می‌توانند با آموزش مباحث به‌دست‌آمده از الگوی مفهومی سازه تصور از خدا براساس اسماء الهی به اصلاح تصورات افراد از خداوند بپردازند و سلامت روان آنان را ارتقاء بخشند؛ چراکه پژوهش‌ها حاکی از آن است که بیماران مختلف تصور مخدوش، تحریف شده و نادرست و منفی از خداوند دارند؛ در مقابل، تصور مثبت از خدا به سلامت روان منجر می‌شود. با شکل‌گیری این پژوهش مشخص می‌شود تصورات انسان از خدا باید چگونه و براساس چه ویژگی‌های باشد. بنابراین هدف محقق در این پژوهش پاسخ به این سؤال است که «سازه تصور از خدا براساس اسماء الهی در آیات و روایات چگونه است؟» و براساس آن الگوی مفهومی از تصور از خدا ارائه شود.

۱. مفهوم‌شناسی تصور از خدا

تصور از خدا، یک حالت روان‌شناختی است که به چگونگی احساس فرد نسبت به خداوند و برداشت و درک فرد مبنی بر اینکه خداوند چه احساسی به او دارد، مربوط می‌شود (گریمز، ۲۰۰۸، ص ۱۱). تصور از خدا در اصل پدیده‌ای ناهشیار و ماهیتاً تجربی و پیچیده می‌باشد و دارای چندین لایه از نظر چگونگی پردازش اطلاعات می‌باشد، بلکه دارای ابعاد مختلفی از جمله ابعاد بیولوژیکی، شناختی، عاطفی، انگیزه‌ای، رفتاری و رابطه‌ای می‌باشد و با سطوح مختلف فردی،

نادرستی از خدا دارند که با تصویری که خدا از خودش با اسماء حسنایش ارائه می‌کند، تضاد دارند (برآبادی، ۱۳۹۳، ص ۶). با وجود این، نیاز است که تصور از خدای افراد مسلمان و خداپاوار در جامعه اسلامی براساس اسماء الهی بررسی شود. با بررسی ادبیات پژوهش در مورد تصور از خدا بسیاری از این پژوهش‌ها در در مکتب مسیحیت و یهودیت و فرهنگ غیراسلامی شکل گرفته است. برای نمونه لارنس (۱۹۹۷)، در پژوهشی، شش بعد «تأثیرپذیری» (من تا چه حد می‌توانم بر خداوند و خواست او تأثیر بگذارم)، «مشیت الهی» (خداوند تا چه حد توان تأثیر گذاردن بر من را دارد)، «حضور» (آیا خداوند اینجا حضور دارد؟)، «چالش» (آیا خداوند می‌خواهد من رشد و پیشرفت کنم؟)، «پذیرندگی» (آیا من شایسته دوست داشته شدن از ناحیه خداوند هستم؟)، «خیرخواهی» (آیا خداوند همانند کسانی است که دوستم دارند و آنچه برایم بهتر است را برای من می‌خواهد؟) برای سازه تصور از خدا ترسیم کرد. گرساچ (Gorsuch) در تحقیقی از پاسخ‌دهندگان خواست، زمانی که به خدا فکر می‌کنند چه تصویری از خدا دارند و در پاسخ به نتایج «خدای قاضی، پادشاه، استاد، پدر، منجی، مادر، دوست» رسید (گرساچ، ۱۹۶۸، ص ۵۶). پژوهش‌هایی که در فرهنگ مسیحیت و یهودیت درباره اساسی‌ترین جنبه اعتقادی انجام گرفته است، نمی‌تواند شاخصی برای جامعه و فرهنگ اسلامی باشد (علیانسب، ۱۳۹۱، ص ۱۲۱). علاوه بر اینکه در این پژوهش‌ها برای نشان دادن نوع تصور از خدای افراد، به جمع‌آوری و درجه‌بندی وصف‌ها و توصیفاتی که افراد درباره خداوند به کار می‌برند، پرداخته شده، و براساس آن ابعادی را برای تصور از خدا پی‌ریزی کرده‌اند، ولی در پژوهش حاضر محقق اول سازه تصور از خدا را، براساس آیات و روایات بررسی کرده و بعد مدعی است که تصور صحیح افراد از خداوند باید براساس اسماء الهی در آیات و روایات باشد؛ چراکه کامل‌ترین سیمای خداوند در اسماء الهی در قرآن کریم و روایات ظهور یافته است. حرکت کردن از سمت مبانی اسلامی و رسیدن به یک الگوی مفهومی در سازه تصور از خدا براساس آیات و روایات و بعد محک زدن تصورات افراد از خداوند براساس این الگوی دینی، بسیار کامل‌تر و جامع‌تر از پژوهش‌هایی است که ابتدا سراغ وصف‌ها و تصورات افراد از خداوند رفته‌اند و بعد براساس آن ابعاد تصور از خدا را پی‌ریزی کرده‌اند.

باشند؛ یا دارای اجزاء و ترکیب باشند؛ ولی خداوند «لیس کمله شیء» است و هیچ مثل و مانندی ندارد؛ در وهم و عقل نمی گنجد. آنچه از دست انسان برمی آید این است که از طریق اسم‌های الهی او را بشناسد. وقتی اسم‌های الهی شناخته شود به نحوی خداوند شناخته شده است؛ چون اسم با ذاتی که بدان متصف شده است، همراه است. مثلاً وقتی می‌گوییم «سبب قرمز است» یا «سبب شیرین است»، می‌دانیم که جسمی به نام سبب وجود دارد که متصف به قرمزی و شیرینی است. هنگامی که اسم‌های ذات و فعل خداوند شناخته شود، پی‌برده می‌شود که ذاتی به نام خداوند وجود دارد که آن اسامی مربوط به او هستند. در واقع، پس از شناخت معانی و مفاهیم متعدد اسم‌های الهی، مفهوم جامعی از آن اسم‌ها، در ذهن انسان ترسیم می‌شود و با آنها به خداوند اشاره می‌شود. در این عملیات ذهنی، که به روان‌شناسی ذهن مربوط است، مفاهیم به‌دست‌آمده از اسم‌های الهی با توجه به اشتراک معنایی که دارند درجه‌بندی و بخش‌بندی می‌شوند و برای مجموع هر بخشی از آن اسامی، اسم خاصی انتخاب می‌شود و به خداوند انتساب داده می‌شود (مصباح، ۱۳۸۳، ص ۱۶۰).

بدین‌منظور، برای شناخت معانی و مفاهیم اسم‌های الهی و دستیابی به الگوی مفهومی سازه‌ی تصور از خدا براساس اسماء الهی از روش تحلیل محتوا و روش معناشناسی زبانی استفاده شد. در روش تحلیل محتوا، اطلاعات لازم در خصوص موضوعات و ریز موضوعات پژوهش، از طریق مطالعه و بررسی آثار مکتوب و انجام برخی از عملیات پژوهشی از قبیل شرح، تفسیر، تحلیل و ارائه الگو انجام می‌پذیرد و در روش معناشناسی زبانی، برای درک عمیق‌تر واژه‌ها و چگونگی ارتباط آنها با یکدیگر از روش‌های مختلفی استفاده می‌شود (شجاعی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۳). محقق از مهم‌ترین این روش‌ها از قبیل هم‌معنایی (synonym)، چندمعنایی (Polysemy)، حوزه‌ی واژگانی (lexical field)، شمول‌معنایی (hyponymy) و تحلیل مؤلفه‌ای (componential analysis)، بهره‌برده است. اصطلاح هم‌معنایی در موردی به کار می‌رود که دو یا چند واژه دارای یک معنا باشند. چند معنایی به کاربرد یک واژه بر دو یا بیش از دو معنای متفاوت اشاره دارد. حوزه‌ی واژگانی به واژه‌هایی که جنبه‌های مشترک دارند و با هم‌دیگر تشکیل یک حوزه‌ی معنایی می‌دهند، اشاره دارد. شمول معنایی در جایی کاربرد دارد که معنای یکی از واژه‌ها از چنان وسعتی برخوردار است که بتواند معنای واژه دیگری را نیز

خانوادگی، سازمانی و اجتماعی در تعامل می‌باشد. این لایه‌ها، ابعاد و سطوح مختلف سازه‌ی تصور از خدا، تأثیر چندوجهی بر هم‌دیگر دارند و تحت تأثیر عوامل زمینه‌ای قرار می‌گیرند (هال و فوجیکاوا، ۲۰۱۳، ص ۲۷۷). اصطلاحات تصور از خدا، تصویر خدا، مفهوم خدا، خداشناسی، خداآگاهی، با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند و هر کدام به جنبه‌های خاصی از موضوع خداوند اشاره دارد. تصور از خدا بیشتر مبتنی بر احساسات و تجربه‌های فرد از خداست. «تصویر خدا» اشاره به صور خیال و اشکال و تصاویری که افراد برای خدا قائل می‌شوند، دلالت دارد. «مفهوم خدا» بیشتر مبتنی بر شناخت افراد از خداوند است، که بیشتر به اساس آموزش‌های دینی صورت می‌گیرد. و به دانش سر (شناختی) تعبیر می‌شود؛ ولی «تصور از خدا» را دانش قلب (احساسات و عواطف) تعریف کرده‌اند به تعبیری «تصور از خدا» تجربه می‌شود، ولی «مفهوم خدا» آموخته می‌شود (کولپیت و بارهاوس، ۲۰۱۹، ص ۲۹۸). «خداشناسی» شبیه به «مفهوم خدا» می‌باشد، و معرفت و شناخت به خداست، که از طریق علم حصولی و حضوری حاصل می‌شود؛ و «خداآگاهی» مرتبه بالاتر از «مفهوم خدا» و «خداشناسی» است؛ یعنی ممکن است کسی خدا را بشناسد، اما از او غفلت کرده باشد، از حضور و ارتباطش با او آگاه نباشد. در شناخت خدا و خداآگاهی بیشتر بعد شناختی فعال است و در تصور از خدا بیشتر بعد عاطفی و هیجانی افراد فعال است. بنابراین، نیاز است پژوهشگران در تحقیقات خویش دقت نظر خود را به کار بگیرند و متناسب با موضوع پژوهشی و در مقام بعد، زمینه علمی، نظام حاکم بر آن، روش بررسی مسئله و رویکرد پژوهشگر، از تعبیر مناسب استفاده کنند. استفاده مناسب از این تعابیر، به نظام‌مندتر شدن پژوهش‌ها کمک خواهد کرد (امیدی، ۱۳۹۹، ص ۱۷).

۲. تصور از خدا در منابع اسلامی

تصور از خدا در آموزه‌های اسلام، در اسم‌های الهی که راهی برای شناخت خدا و ارتباط با اوست جلوه‌گر است (اعراف: ۱۸۰). از آنجاکه انسان قادر نیست به کنه ذات خداوند علم پیدا کند، برای شناخت و تصور آن ذات، نیازمند واسطه است، که این واسطه همان اسم‌های الهی است. آیت‌الله مصباح نقل می‌کند: مخلوقات نمی‌توانند به کنه ذات «الله» پی ببرند و تصور کنه ذات خداوند برای مخلوقات غیرممکن است؛ چراکه اشیایی قابل تصورند که مثل و مانند داشته

۳-۱. محور ذاتیه

در این محور، آن دسته از اسم‌های الهی قرار می‌گیرد که برای اتصاف خداوند متعال به آنها نفس ذات کفایت می‌کند و نیازی به در نظر گرفتن چیزی بیرون از ذات واجب‌تعالی نمی‌باشد. اسماء ذاتیه عین ذات خداوند است و بدون صدور افعال از خداوند و بدون در نظر گرفتن غیر، این اسم برای او ثابت است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۴۶۰). این اسم‌ها شامل اله، الحق، النور، نورالسموات و الارض، الظاهر، الباطن، الخیر، الحی، العالم و القادر می‌باشد.

۳-۲. محور جلالیه

تعدادی از اسم‌های الهی به جلالت خداوند اشاره دارد. این اسم‌ها شامل الواحد، الاحد، الفرد، الوتر، الصمد، الغنی، السلام، الطاهر، السبوح، القدوس، الاول، الاخر، الباقي، الاقبی، القدیم می‌باشد، وجه اشتراک همه این اسم‌ها آن است که ذات مقدس خداوند از هرگونه عیب و نقص و عوارض و صفات ممکنات پاک و منزه است. اسماء جلالیه که به آن سلبیه و تنزیهیه هم گفته می‌شود، ذات خداوند را از هرگونه عیب، نقص، تشبیه، تمثیل و صفات غیره، منزه می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۲۳۱). خداوند متعال جسم و عرض ندارد؛ زیرا اگر جسم یا عرض داشته باشد، باید در مکان باشد و در مکان دیگری نباشد، مرکب نیست؛ زیرا هر مرکبی محتاج اجزاء است و هر محتاجی ممکن‌الوجود است و خداوند ممکن نیست. لذت و درد در او حائز نیست؛ چراکه این صفات عارض بر مزاج اند و خدای متعال را مزاجی نیست. در محل و جهتی نیست؛ پس طول و اتحاد درباره او غلط است. مرئی نیست؛ زیرا هرچه به چشم آید در جهتی است و هرچه در جهتی باشد، جسم است و خدا متعال منزه از جسم است. معانی و احوالی ندارد؛ به تعبیری، صفات او عین ذات اوست. در غیراین صورت لازم می‌آمد که در اتصاف به صفات مذکور محتاج باشد و هر محتاجی ممکن است و خداوند از امکان منزه است (همتی مرادآبادی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۵۰).

۳-۳. محور تقدیسیه

تعدادی از اسم‌های الهی اشاره به عظمت و تقدیسیت خداوند دارد. این اسم‌ها شامل، الکبیر، المتکبر، العظیم، السید، المجید، الماجد، ذوالجلال و الکرام، الجلیل، العلی، المتعالی، المبین، المتین و الحمید است. وجه

شامل شود و تحلیل مولفه‌ای به بررسی ارتباط بین واژه‌ها از طریق مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن اشاره دارد. هدف در تحلیل مؤلفه، تشریح واژه‌ها و دستیابی به عناصر تشکیل‌دهنده آن مؤلفه است (شجاعی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۲۳-۲۶). در پایه این دو روش تحلیل محتوا و معناشناسی زبانی، اسم‌های الهی در قرآن و روایت مشهور نبوی (در سه مرحله مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت). در مرحله نخست، با رجوع به نرم‌افزار جامع‌التفاسیر، جامع‌الاحادیث و کتب و مقالات مربوطه اسم‌های خداوند متعال که در قرآن مجید و روایت مشهور نبوی (به کار رفته بود گردآوری شد). در گردآوری اولیه ۲۶۶ اسم، از اسم‌های الهی استخراج شد که از این مجموع تعداد ۹۸ اسم از اسم‌های مفرد الهی و تعداد ۶۹ اسم از اسم‌های ترکیبی خداوند در قرآن کریم ذکر شده بود، و تعداد ۹۹ اسم در حدیث نبوی (به کار رفته بود). اسم‌هایی که در حدیث مشهور نبوی (به کار رفته است) به قرآن عرضه شد و از ۹۹ اسم، تعداد ۷۵ اسم در قرآن تکرار شده است و تعداد ۲۴ اسم مستقیماً در قرآن ذکر نشده است. در جمع‌بندی نهایی با حذف اسم‌های تکراری، تعداد اسم‌های خداوند در قرآن مجید و حدیث نبوی به ۱۹۱ اسم رسید. در مرحله دوم معنا و مفهوم هریک از اسماء الهی از لغت‌نامه‌های معتبر از قبیل: *لسان‌العرب ابن‌منظور* (۱۴۱۴ق)، *العین خلیل‌بن‌احمد فراهیدی* (۱۴۰۹ق)، *النهایه ابن‌ثیر جزیری* (۱۳۶۷ق)، *مفردات الفاظ القرآن راعب اصفهانی* (۱۴۱۲ق)، *معجم مقاییس‌اللغه احمدبن فارس* (۱۴۰۴ق)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم حسن مصطفوی* (۱۳۶۸)، *المصباح المنیر احمد فیومی* (۱۴۱۴ق)، مورد بررسی قرار گرفت. در مرحله سوم، با توجه به قرابت معنایی که بین اسم‌های الهی وجود داشت در کنار هم قرار گرفتند و از مجموع آنها ابعاد، محور و مقوله‌های استخراج گردید که در ذیل تبیین می‌گردد.

۳. بعد ذات

شناخت کنه ذات خداوند برای هیچ بشری حتی پیامبران مرسل و فرشتگان مقرب امکان‌پذیر نمی‌باشد، اما از طریق اسم‌های ذات می‌توان شناخت اجمالی نسبت به ذات حق تعالی پیدا کرد. از میان اسم‌های الهی که در قرآن مجید و روایت مشهور نبوی به کار رفته است، تعدادی از آنها به بعد ذات خداوند اشاره دارد، که با توجه به قرابت معنایی که بین این دسته از اسم‌های الهی وجود داشت، در محورهای جداگانه قرار گرفتند.

۴-۱. محور خلق (شامل، مقوله‌های عالمیت، خالقیت، مالکیت، قادریت)

محور خلق به آن دسته از اسم‌های الهی اشاره دارد که شامل امور مربوط به خالقیت، آفرینش، مالکیت و مدیریت عالم هستی عمومی است و شامل چهار مقوله عالمیت، خالقیت، مالکیت و قادریت است.

۴-۱-۱. مقوله عالمیت

تعدادی از اسم‌های الهی به عالمیت خداوند اشاره دارد. این دسته اسم‌های الهی شامل العلیم، الاعلم، العلام، عالم‌الغیب و الشهاده، واسع‌علیم، الخبیر، الشهید، الحاضر، القریب، الحکیم، واسع‌حکیم، السميع، سمیع‌الدعا، البصیر، ابصر‌الناظرین، الرائی، الواجد و الرقیب می‌باشد. در عین اینکه تفاوت‌هایی با همدیگر دارند، دارای قرابت و اشتراکاتی در مفهوم و معنا با همدیگر می‌باشند. یک وجه اشتراکی که در بین تمامی این اسم‌ها دیده می‌شود، علم و آگاهی خداوند نسبت به تمام هستی می‌باشد. علم و دانایی خداوند تمام عالم هستی را فراگرفته است. قرآن کریم، تصویری که نسبت به عالمیت خداوند ارائه می‌دهد بسیار گسترده و فراگیر است، به طوری که هیچ چیزی در این عالم پنهان از دید علم نامحدود او پوشیده و پنهان نمی‌ماند (توبه: ۱۲۵). به تمام اسرار و جزئیات عالم و نیات و انگیزه‌های درونی مخلوقاتش آگاه است (آل عمران: ۱۱۹). کلمه شئیء در آیه «وَاللّٰهُ بِكُلِّ شَیْءٍ عَلِیْمٌ» مفهوم گسترده‌ای دارد که شامل علم به تمام امور هستی می‌شود (بقره: ۲۸۲). عالمیت خداوند شبیه به علم بشر نیست که آمیخته به نقص، اشتباه و محدودیت‌های بشری باشد؛ بلکه عالمیت و دانایی او آمیخته به حکمت می‌باشد. در قرآن مجید بیش از ۹۰ بار اسم «الحکیم» برای خداوند برده شده است. در بعضی از آیات حکمت در کنار علم خداوند قرار گرفته، که نشان می‌دهد علم او با حکمتش آمیخته است (نساء: ۲۶). اگر هم‌زمان همه افراد بشر خدا را بخوانند و از درخواست کنند، او به تفصیل درخواست همه آنان را می‌داند. او بر آنچه در ذهن و دل هریک از انسان‌ها می‌گذرد، آگاه است؛ چون هیچ‌گونه محدودیتی در علم، آگاهی و حضور خداوند نیست (مصباح، ۱۳۸۳، ص ۱۹۰). صداهای زیاد او را از شنیدن صدای دیگران بازمی‌دارد؛ حاجت‌های زیاد مخلوقاتش او را به اشتباه نمی‌اندازد؛ و اصرار نیازمندان او را ملول نمی‌سازد (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۹۲).

مشترکی که در همه این اسم‌ها دیده می‌شود این است که ذات مقدس خداوند دارای نهایت عظمت، بزرگی و کبریایی می‌باشد. اسماء تقدیسیه، به اسم‌هایی از خداوند اشاره دارد که نهایت عظمت و بزرگی، بلندی و کبریایی برای پرورگار نشان می‌دهد (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۲۳۹). خداوند متعال بزرگ است؛ اما نه به معنای اینکه حد و مرز جسمش طولانی است؛ و او با عظمت است؛ نه به معنای اینکه ابعاد جسمش فوق‌العاده عظیم است. وقتی گفته می‌شود: خداوند بزرگ و با عظمت است، منظور شأن و مقام و سلطه‌اش است که والا و با عظمت است (هاشمی خوئی، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۳).

۴. بعد فعل (شامل محورهای خلق و ربوبیت)

تعداد زیادی از اسم‌های الهی، در بعد فعل قرار می‌گیرد. اسماء فعل، از وجود رابطه بین خداوند و مخلوقاتش انتزاع می‌شود. به تعبیری ذات خداوند متعال برای متصف شدن به آنها به‌تنهایی کفایت نمی‌کند، بلکه باید امری غیر از ذات الهی، در بیرون در نظر گرفته شود و آن‌گاه رابطه آن با ذات در نظر گرفته شود (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۴۶۰). برای مثال، خداوند رابطه ایجاد خاصی با موجودات دیگر دارد و آنها را از حالت معدومیت خارج ساخته، و به آنان وجود می‌بخشد. با توجه به این رابطه خاص، اسم «الخالق» به خداوند نسبت داده می‌شود، چنان‌که پیش از خلق کردن به او الخالق گفته نمی‌شد (سعیدی مهر، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۱۹۱).

آنچه از قرآن استنباط می‌شود این است که بعد فعلی اسماء الهی شامل دو محور خلق و ربوبیت می‌باشد. خداوند متعال در آیه ۵۴ سوره «اعراف» می‌فرماید: «لَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ»، برای خداوند خلق و امر می‌باشد. مفسران نقل می‌کنند: منظور از خلق، امور مربوط به آفرینش، خالقیت، ایجاد و ساختار عمومی جهان می‌باشد و منظور از امر، ربوبیت الهی و قوانین و نظاماتی است که به فرمان پروردگار در عالم هستی موجود می‌باشد. همان‌طور که عالم هستی در زمینه خلق و آفرینش نیازمند به خدا می‌باشد، در زمینه امر، تدبیر و ادامه حیات نیز وابسته به او می‌باشد، و اگر لحظه‌ای لطف خدا از عالم هستی برداشته شود، بکلی از هم گسسته و نابود می‌گردد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۲۰۷). هر کدام از محور خلق و ربوبیت به طور جداگانه تبیین می‌شود.

۲-۱-۴. مقوله خالقیت

تعدادی از اسم‌های الهی در مقوله خالقیت قرار می‌گیرد. این دسته اسماء الهی شامل الخالق، الخلاق، احسن الخالقین، الفاطر، فاطر السموات و الارض، الباری، البدیع، الذاری، المصور، الصانع، المبدی، الجاعل، الباعث، المحیی، فالق الاصباح و فالق الحب و النوی می‌باشد. هرچند این اسماء تفاوت‌های ظریفی با همدیگر دارند؛ ولی این دسته از اسماء همگی دارای وجه مشترکی به نام خالقیت می‌باشد، که بسان نخ تسبیح می‌تواند این دسته از اسماء را حول یک مقوله جمع کند. خالقیت خداوند، تمام جهان هستی از آسمان، زمین، عالم ماده و ماورای ماده را دربر می‌گیرد. خداوند تمام مخلوقات را بدون هیچ سابقه قبلی و بدون هیچ الگویی پیشین از نیستی به هستی آورده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۳۲۵). قرآن کریم خدا را به‌عنوان احسن الخالقین معرفی می‌کند، هر آنچه را که او خلق کرده، به نحو نیکو و احسن آفریده است (سجده: ۷). آفرینش نظام احسن ایجاب می‌کند تفاوت در استعدادها، ذوق‌ها، سلیقه‌ها، ساختمان‌های جسمی و روحی افراد جامعه باشد؛ تا هر کسی متناسب کاری که نظام خلقت برای او در نظر گرفته شده است، آمادگی داشته باشد؛ در غیر این صورت، همه چیز به هم می‌ریزد، و نظام احسنی وجود نخواهد داشت. پس جمیع مخلوقات اگرچه متفاوتند، ولی حسن می‌باشند و خدای متعال احسن الخالقین است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۵۱۸).

۳-۱-۴. مقوله مالکیت

تعدادی از اسماء الهی، بر مالکیت خداوند اشاره دارد. این دسته از اسماء شامل؛ المالک، مالک الملک، مالک یوم الدین، الملک، ملک الناس، الملک الحق، الملک القدوس، الملک، الملک المقدر، السولی، الوالی، المولی، نعم المولی، الحاکم، خیر الحاکمین، احکم الحاکمین، رب العالمین، رب السموات و الارضین، رب العرش، رب الفلق، رب کلشی، رب المشرق و المغرب، رب الناس، رب العزه، ذوالعرش، اله الناس، الوارث، خیر الوارثین، می‌باشد. وجه مشترکی که در همه این اسماء دیده می‌شود، مالکیت و حاکمیت خداوند متعال نسبت به تمام هستی و مخلوقات می‌باشد. مالکیت خدا از خالقیت او نشأت می‌گیرد. از آنجاکه خالق هستی در حقیقت خداوند است، پس مالک اصلی نیز او می‌باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۹۶). مالک حقیقی عالم هستی، خداست و به هر طریقی

که بخواهد، می‌تواند در ملکش تصرف کند و غیر او هیچ حقی از مالکیتی ندارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۳۷۹).

۴-۱-۴. مقوله قادریت

تعدادی دیگر از اسم‌های افعال الهی در محور خلق در ذیل مقوله قادریت خداوند قرار می‌گیرد. این دسته از اسماء الهی شامل القادر، القدر، القوی، ذوالقوة المتین، المقدر، الملک المقدر، القاهر، القهار، الغالب، العزیز، المحیط، القابض، الخافض، المنتقم، ذواتنقام، المذل، الضار، المانع، خیر الماکرین، شدید المحال و اهل التقوی می‌باشد. این اسماء علاوه بر تفاوت‌هایی که با همدیگر دارند، دارای مفاهیم قریب و مشترکی نیز می‌باشند. وجه اشتراکی که در بین این دسته از اسماء الهی دیده می‌شود، قادریت و قاهریت، تسلط و استیلاء خداوند بر مخلوقاتش است. خداوند قادر، قدرت‌ش از هر نظر بی‌انتهاست. هیچ کس در آسمان‌ها و زمین از حوزه قدرت او بیرون نیست (انعام: ۶۱). عجز و ناتوانی در او وجود ندارد و چیزی بر سر راه مشیت او ایجاد مانع نمی‌کند (فاطر: ۴۴).

۲-۴. محور ربوبیت (شامل، مقوله‌های رحمانیت، غافریت، ناصریت، رازقیت، شاکریت، حاسبیت)

خالقیت و ربوبیت الهی به همدیگر مرتبط است خدایی که مخلوقات را آفرید، رب و مدبر آنان نیز می‌باشد. چنان نیست که خداوند موجودات را بیافریند و کناری بنشیند؛ بلکه فیض هستی به طور دائم از طرف خدا صادر می‌شود و تدبیر عالم هستی به‌دست اوست (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱، ج ۱۰، ص ۱۶۱). رب به کسی گفته می‌شود که مربوب خودش را تربیت می‌کند و به‌سوی کمال سوق می‌دهد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۳۶) و ربوبیت خداوند در مورد انسان به معنای این است که تدبیر مسیر زندگی انسان به دست پروردگارش می‌باشد تا او را به کمال برساند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۱۸۸). با توجه به آنچه گفته شد بعد فعلی خداوند دارای دو محور خلق و امر می‌باشد؛ محور خلق اشاره به خلقت و آفرینش و نظام هستی دارد و محور امر که همان ربوبیت الهی باشد، اشاره به این دارد که خداوند مربوبی و پرورش‌دهنده انسان است و می‌خواهد او را به کمال برساند. بنابراین امکانات لازم برای رسیدن به کمال را در اختیار او قرار می‌دهد همان‌گونه که ذکر شد، تعدادی از اسم‌های الهی در بعد فعل در محور ربوبیت در مقوله‌های رحمانیت، غافریت، ناصریت، رازقیت، شاکریت و حاسبیت قرار می‌گیرد.

۴-۲-۱. مقوله رحمانیت

تعدادی از اسم‌های الهی به رحمانیت خداوند اشاره دارد. این دسته از اسماء الهی شامل الرحمن، الرحیم، ارحم الراحمین، خیرالراحمین، ذوالرحمه، الودود، الرؤوف، اللطیف و الحفی می‌باشد. این اسم‌ها اشتراکات و قرابت‌های معنایی با همدیگر دارند. یک وجه اشتراک معنایی که در همه اینها دیده می‌شود مهربانی و رحمت داشتن خداوند نسبت به مخلوقاتش می‌باشد. رحمانیت خداوند بازتاب وسیعی در کتاب و سنت دارد و تعداد قابل توجهی از آیات و روایات به رحمانیت خداوند اختصاص یافته است. قرآن کریم تصویری که از خداوند، در عامل رحمانیت به نمایش می‌گذارد، رحمت بسیار گسترده‌ای است که همه کس و همه چیز را فراگرفته است (اعراف: ۱۵۶). پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: خداوند متعال، صد باب رحمت دارد که یکی از آن را به زمین نازل کرده و در میان مخلوقاتش تقسیم کرده و تمام عاطفه و محبتی که در میان مردم است از پرتو همان یکی است؛ ولی نود و نه قسمت را برای خود نگاه داشته و در قیامت بندگانش را مشمول آن می‌سازد (هاشمی خوئی، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۴۴). خداوند در روز قیامت چنان سفره رحمتش را می‌گستراند که حتی ابلیس هم در رحمت خداوند طمع می‌ورزد (قتال نیشابوری، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۵۰۲).

۴-۲-۲. مقوله غافریت

تعدادی از اسم‌های الهی بخشی از اسماء فعل در محور رب و مقوله غافریت را به خودش اختصاص داده است. این دسته از اسماء شامل الغافر، الغفور، العفار، اهل المغفره، غافرالذنب، خیرالغافرین، واسعالمغفره، العفو، التواب، قابل التوب، الحلیم، الجبار و ذوالفضل می‌باشد. وجه مشترکی که در همه این اسم‌ها دیده می‌شود، غافریت و بخشش خداوند نسبت به مخلوقاتش می‌باشد. غافریت به معنای بخشش و گذشت از خطای خطاکاران است. لسان قرآن کریم خداوند متعال را به‌عنوان بهترین آموزندگان معرفی می‌کند (اعراف: ۱۵۵). غافریت الهی به اندازه‌ای وسعت دارد که هیچ حد و مرزی نمی‌شناسد در قرآن مجید تنها چیزی که از دایره‌های وسعت بخشش الهی مستثنا شده، شرک است، درحالی که مشرکان توبه‌کننده هم امید به غافریت الهی دارند. در روز قیامت چنان عفو و بخشش الهی بندگان را احاطه می‌کند، تا آنجا که مشرکان طمع می‌کنند و می‌گویند: به پروردگاران سوگند که ما مشرک نبودیم (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶ ص ۶).

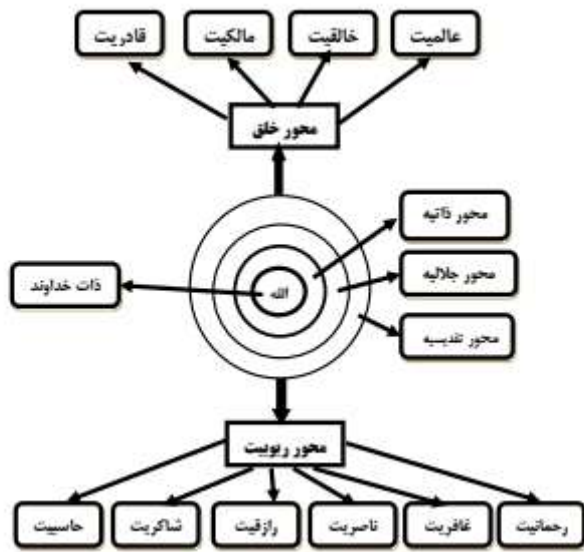
۴-۲-۳. مقوله ناصریت

تعدادی از اسم‌های الهی به ناصریت خداوند اشاره دارد. این دسته از اسماء الهی شامل الناصر، خیرالناصرین، النصیر، نعم‌النصیر، النافع، المستعان، الهادی، الحافظ، الحفیظ، خیر حافظا، المؤمن، کاشف‌الضر، المهیمن و البر می‌باشد. دارای مفاهیم قریب و نزدیک به هم هستند، وجه مشترکی که در بین این اسم‌ها دیده می‌شود، ناصریت و یاری‌گری خداوند نسبت به مخلوقاتش می‌باشد. ناصریت خداوند، تمام لحظات زندگی انسان را شامل می‌شود. در قرآن مجید، خداوند به‌عنوان بهترین یاری‌گر (آل عمران: ۱۵۰)، بهترین محافظت‌کننده (یوسف: ۶۴) و حافظ و نگهدارنده تمام مخلوقاتش معرفی شده است (هود: ۵۷)؛ چراکه تنها یاری‌دهنده واقعی خداوند متعال می‌باشد و توان یاری‌دهندگی را در هر شرایط و هر زمان و مکانی دارد و یآوری می‌باشد که هیچ‌گاه مغلوب کسی نمی‌شود و بر تمام توطئه‌ها غالب است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۳۹۲).

۴-۲-۵. مقوله رازقیت

تعدادی دیگر از اسماء الهی به رازقیت خداوند خداوند اشاره دارد. این دسته از اسماء الهی شامل الرزاق، الرزاق، خیرالرازقین، الکریم، الاکرم، الحمید، الفتاح، خیر الفاتحین، المغنی، الباسط، واسع‌العطایا و ذی‌الطول می‌باشد. این اسم‌ها مفاهیمی نزدیک به هم، یا لازم و ملزوم دارند. وجه مشترک در بین این دسته، حکایت از رازقیت خداوند نسبت به مخلوقاتش دارد. رازقیت خداوند متعال به این معنا است که او رزق و روزی همه موجودات را به عهده گرفته و ضمانت کرده است؛ یعنی آن سهم و نصیبی که باید به مخلوقات برسد براساس مقتضای حال و نیاز مرزوق به او می‌رساند، تا مایه حیات و بقای مرزوق باشد و بتواند به وجود و بقای خود ادامه دهند (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۱۵۰). رزق شامل مادی و معنوی می‌شود در رزق مادی انسان و دیگر موجودات مشترک هستند و در رزق معنوی که شامل علم، ادب، معرفت، فهم و نیز رزق رسالت و نبوت (هود: ۸۸) می‌شود، مخصوص انسان است (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۱۵۹). تصویری که قرآن از رازقیت خداوند به نمایش می‌گذارد بهترین روزی‌دهنده است (حج: ۵۸)؛ چراکه انواع نعمت‌های مادی، معنوی، دنیوی و اخروی، ظاهری و باطنی، آشکار و پنهان، بر مخلوقاتش می‌بخشد و تمام انعام‌ها از ناحیه خودش می‌باشد. خداوند روزی‌بخشی است که هیچ‌وقت روزی او پایان نمی‌یابد، و خزائن همه چیز نزد اوست (حجر: ۲۱).

کار خیر کرده باشد، آن را می بیند و هرکسی هموزن ذره‌ای کار شر کرده باشد، به حساب آن رسیدگی می‌شود (زلزله: ۸۷).
بنابراین با توجه به روش تحلیل محتوا و اشتراکات معنایی که بین اسم‌های الهی وجود داشت، یک الگو از سازه تصور از خدا براساس اسماء الهی به دست آمد که در شکل ذیل قابل مشاهده است.



شکل: الگوی مفهومی تصور از خدا براساس اسماء الهی در آیات و روایات

همان‌طور که در شکل مشخص است، الگوی مفهومی سازه تصور از خدا براساس اسماء الهی، در بعد ذات شامل سه محور ذاتیه، جلالیه و تقدیسیه است و در بعد فعل شامل دو محور خلق و ربوبیت می‌باشد. محور خلق شامل چهار مقوله عالمیت، خالقیت، مالکیت و قدرت است و محور ربوبیت شامل شش مقوله رحمانیت، غافریت، ناصریت، رازقیت، شاکریت و حاسبیت است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر، بررسی ویژگی‌های سازه تصور از خدا براساس اسماء الهی در آیات و روایات برای دستیابی به الگوی مفهومی سازه تصور از خدا بود. یافته‌ها حاکی از آن است که الگوی مفهومی سازه تصور از خدا براساس اسماء الهی در آیات و روایات دارای دو بعد ذات و فعل می‌باشد. بعد ذات شامل سه محور ذاتیه، جلالیه و تقدیسیه می‌شود و بعد فعل شامل دو محور خلق و ربوبیت است. محور خلق شامل چهار مقوله عالمیت، خالقیت، مالکیت و قدرت است؛ و محور ربوبیت شامل شش مقوله رحمانیت، غفرانیت،

۴-۲-۶. مقوله شاکریت

تعدادی دیگر از اسماء افعال الهی، در محور ربوبیت، در ذیل مقوله شاکریت قرار می‌گیرد. این دسته از اسم‌ها شامل الشاکر، الشکور، الدیان، الشفیع، الوکیل، نعم‌الوکیل، الکافی، رفیع‌الدرجات و خیر ثواباً می‌باشد. وجه مشترکی که در بین این دسته از اسماء الهی دیده می‌شود، این است که همگی حاکی از شاکریت و قدردانی خداوند نسبت به اعمال صالحه بندگان می‌باشد. خداوند متعال در قرآن مجید ذات مقدسش را به عنوان کسی معرفی می‌کند که قدردان اعمال بندگان می‌باشد. می‌فرماید: ما اجر نیکوکاران را ضایع نمی‌کنیم (هود: ۴۹) و سعی و تلاش مردم مورد تشکر و سپاس است (انسان: ۲۲)، و در مقابل اعمالی که بندگان انجام می‌دهند خداوند شاکر و شکور می‌باشد (بقره: ۱۵۸) و ذره‌ای از پاداش اعمال بندگان را کم نمی‌کند (حجرات: ۱۴)؛ و اگر ذره‌ای از کار نیک انجام دهند، آن را خواهند دید (زلزله: ۷)؛ از فضل خودش آن را زیاد می‌کند و بیشتر از آنچه بندگان مستحق آن بوده‌اند عطا می‌کند (فاطر: ۳۰). امام صادق علیه السلام می‌فرماید: خداوند نسبت به اعمال بندگان شاکر است، از اعمال کم تشکر می‌کند و گناهان بزرگ را می‌بخشد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۸۹).

۴-۲-۷. مقوله حاسبیت

تعدادی دیگر از اسماء افعال الهی، در ذیل مقوله حاسبیت خداوند قرار می‌گیرد. این دسته از اسم‌های الهی شامل الحسیب، اسرع‌الحاسبین، سریع‌الحساب، العادل، المقسط، المحصی، خیرالفاصلین، سریع‌العقاب، شدیدالعذاب، شدیدالعقاب، ذوعقاب الیم و الجامع می‌شود. علاوه بر اینکه تفاوت‌های با همدیگر دارند، دارای مفاهیم قریب و مشترکی با همدیگر می‌باشند. وجه اشتراکی که در بین این دسته از اسم‌های الهی دیده می‌شود، این است که خداوند عادل حسابگر است و به حساب بندگان رسیدگی می‌کند. روزی انسان به سوی خدا بازگردانده می‌شود و خداوند متعال، از اعمال او حسابرسی می‌کند (انعام: ۶۲). بعد از حسابرسی پاداش و کیفر می‌باشد، پاداش برندگان، بهشت و جزای بازندگان، جهنم می‌باشد (هاشمی خوئی، بی‌تا، ج ۴، ص ۲). خداوند عادل، در حسابرسی به هیچ‌کس ظلم نمی‌کند. ظلم و ستم از ساحت کبریایی او به دور می‌باشد (کهف: ۴۹). حسابرسی خداوند بسیار دقیق و حساب شده می‌باشد هرکسی هموزن ذره‌ای

و زیاد می‌دهد (مقوله شاکریت). در نهایت این خداوند در قبال کارها و امکاناتی که برای بندگان خویش فراهم کرده است، از آنان مسئولیت می‌خواهد و در روز قیامت از اعمال بندگان حسابرسی می‌کند (مقوله حاسبیت). وقتی چنین تصویری از خداوند با درک معنای آن در روان افراد شکل بگیرد، سبب می‌شود تصور از خدای سالم، مثبت، صحیح و متناسب با مبانی دینی و روان‌شناسی اسلامی در روان افراد شکل بگیرد.

الگوی نظری به‌دست‌آمده از سازه‌ی تصور از خدا براساس اسماء الهی، ابعاد شناختی و عاطفی و رفتاری انسان را دربر می‌گیرد. می‌توان گفت: بعد شناختی افراد نسبت به خداوند با شناخت اسم‌های الهی همراه با مفاهیم و مضامین آن که در قرآن کریم و روایات به کار رفته است، تصحیح گردیده و مطابق بر کتاب و سنت شکل می‌گیرد. در بعد عاطفی، که شیوه‌ای برای تصور و احساس کردن خدا می‌باشد، فرد احساس می‌کند که می‌تواند بر خدای عالم و قادر تکیه کند و از خطرات و مشکلات زندگی که برای او ترس‌آور است، به خدا پناه ببرد و امورات زندگی خویش را به او واگذار کند. می‌تواند در چالش‌های زندگی روی رحمانیت خداوند حساب باز کند و اگر دچار خطایی شد به غافریّت خداوند پناه ببرد. از طریق خدا و ناصریت او بر مشکلات زندگی غلبه کند و به آرزوها و حاجت‌های خویش برسد و برای تأمین نیازهایش به رازقیّت خدا اعتماد کند. در این وضعیت فرد احساس آرامش و رضایت درونی می‌کند و دنیا را محل امنی تصور می‌کند که می‌تواند امیدوارانه و با نشاط زیست و به سعادت و کمال رسید. همراه شدن بعد شناختی با بعد عاطفی در تصور افراد از خدا، سبب التزام عملی و رفتاری در انسان می‌شود. درک قدرت نامحدود خدا، رحمانیت و غافریّت گسترده الهی، ناصریت، رازقیّت و شاکریت خدا نسبت به بندگان سبب شکل‌گیری حس اعتماد، توکل، شکرگزاری، ارتباط صمیمانه و تسلیم عملی به درگاه خدای عالم می‌شود و انسان را به سمت متخلق شدن به اسماء الهی پیش می‌برد. بنابراین پیشنهاد می‌شود متولیان امور تربیتی، برای آموزش صحیح تصور از خدا در روان افراد، براساس الگوی به‌دست‌آمده از اسماء الهی در آیات و روایات عمل کنند.

ناصریت، رازقیّت، شاکریت و حاسبیت می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت: اجزای این الگوی مفهومی به‌دست‌آمده، از لحاظ منطقی دینی و روان‌شناختی با همدیگر در ارتباط می‌باشد. در قسمت مرکز این الگو، اسم‌هایی قرار دارد که به ذات خداوند اشاره دارند. مخلوقات نمی‌توانند به کنه ذات «الله» پی ببرند و تصور کنه ذات خداوند، برای مخلوقات غیرممکن است، ولی با شناخت اسم‌های الهی می‌توان شناخت اجمالی از ذات او پیدا کرد. بعد ذات با محورهای ذاتیه، جلالیه و تقدیسیه به ذات خداوندی اشاره دارند که هیچ عیب و نقصی برایش متصور نیست و تمام کمالات را از نوع نامحدودش دارا می‌باشد. دارای نهایت عظمت و بزرگی، بلندی و کبریایی است. بعد فعل و محور خلق با مقوله‌های عالمیت، خالقیت، مالکیت و قادریت نشان می‌دهد که خلقت و عالم هستی تحت نظارت خدای عالم و حکیمی است که مالکیت تمام هستی با او می‌باشد و بر هر کاری قادر است و بر تمام هستی سلطه و سیطره دارد و با علم و حکمتش، عالم هستی را مدیریت می‌کند و به سمت اهداف خویش پیش می‌برد. چنین تصویری از خدا، به نگاه هستی‌شناسانه انسان معنا و هدف می‌دهد و انسان را از ماده‌نگری و بیهوده‌نگاری بیرون می‌آورد. در بعد فعل و محور ربوبیت به اسم‌هایی از خداوند اشاره می‌شود که خداوند برای اینکه انسان را به سرمنزله مقصود هستی که همان سعادت ابدی باشد برساند، امکاناتی را در اختیار او قرار می‌دهد تا انسان بتواند از آن طریق به هدف هستی نائل شود. به همین خاطر خداوند، رحمت خویش را شامل حال انسان می‌کند و هر آنچه که برای رشد او نیاز می‌باشد در اختیارش قرار می‌دهد (مقوله رحمانیت). گاهی که انسان، دچار خطا و انحراف گشته و از مسیر هدایت منحرف می‌شود، با وعده بخشش و آمرزش گناهان به او امید می‌دهد و او را دعوت می‌کند که با برگشت از مسیر انحراف در مسیر تربیت و بندگی قرار گیرد (مقوله غافریّت). خداوند برای اینکه انسان را به سرمنزله مقصود برساند در تمام مراحل زندگی‌اش حضور داشته و کمک‌رسان و یاری‌دهنده او می‌باشد (مقوله ناصریت). از آنجاکه خدا می‌داند انسان موجودی دارای نیازهای زیستی و روانی است، تمام نیازهای او را برای رسیدن به کمال و سعادت تأمین می‌کند (مقوله رازقیّت)؛ و برای اینکه به انسان انگیزه بدهد و او را به سمت پاکی و سلامت روان بکشاند، به او وعده می‌دهد که در قبال کارهای نیکش شاکر است و پاداش کامل

همتی مرادآبادی، ابراهیم و همکاران، ۱۳۸۹، *نقش هدایتی و تربیتی بحث اسماء و صفات الهی در نهج البلاغه*، تهران، دانشگاه پیام نور.

Bradshaw, M., Ellison, C. G., & Flannelly, K. J., 2008, Prayer, "God imagery, and Symptoms of Psychopathology", *Journal for the Scientific Study of Religion*, N. 47 (4), p. 644-659.

Colpitts, D., & M. A. Yarhouse, 2019, "God Concept, God Image, and Religious Orientation in Same-Gender Attracted Christians", *Journal of Psychology and Theology*, N. 47(4), p. 296-312.

Grimes, C., 2008, "Chapter 2. God Image Research: A Literature Review", *Journal of Spirituality in Mental Health*, N. 9 (3-4), p. 11-32.

Grosuch, R. L., 1968, "The conceptualization of God as seen in adjective ratings", *Journal for the Scientific Study of Religion*, N. 7, p. 56-64 Part I. Foundations 31.

Hall, T. W. & A. M. Fujikawa, 2013, *God image and the sacred*, (eds.), APA Handbooks in Psychology.

Lawrence, R. T., 1997, "Measuring the Image of God: The God image inventory and the God image scales", *Journal of Psychology and Theology*, N. 25 (2), p. 214-226.

.....منابع

امیدی، احد، ۱۳۹۹، *تصور از خدا براساس اسماء الهی در آیات و روایات و ساخت پرسش‌نامه آن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته روان‌شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

برآبادی، حسین احمد، ۱۳۹۳، *تدوین و بررسی اثر بخشی الگوی مشاوره‌ای اسماء حسنی بر اصلاح تصور از خدا و کاهش استرس، اضطراب و افسردگی*، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.

جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۴، *تفسیر تسنیم* (تفسیر شیعی قرآن)، قم، اسراء.

خاکساری، زهرا و زهره خسروی، ۱۳۹۱، «خدا؛ و تصور مثبت و منفی از او و رابطه آن با عزت نفس و سلامت روانی دانش‌آموزان»، *روان‌شناسی و دین*، ش ۲، ص ۹۸-۸۳.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *مفردات الفاظ القرآن*، تصحیح صفوان عدنان داوودی، بیروت، الدار الشامیه.

سعیدی‌مهر، محمد، ۱۳۹۴، *آموزش کلام اسلامی*، چ بیست و یکم، قم، طه.

شجاعی، محمدصادق و همکاران، ۱۳۹۳، «کاربرد نظریه‌های حوزه‌های معنایی در مطالعات واژگانی ساختار شخصیت بر پایه منابع اسلامی»، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی دین*، ش ۱۵، ص ۳۸-۷.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴، *تفسیر المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چ پنجم، قم، جامعه مدرسین.

علیانسب، سیدحسین، ۱۳۹۱، *خداجویی و نقش آن در نگرش به مرگ*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

غباری‌بناب، باقر و علی‌اکبر حدادی کوهسار، ۱۳۹۲، «پیش‌بینی افسردگی و اضطراب براساس مفهوم خدا در دانشجویان»، *پژوهش‌ها و مطالعات علوم رفتاری*، ش ۱۵، ص ۸۶-۷۳.

فتال نیشابوری، محمدبن احمد، ۱۳۶۶، *روضه السواعظین و بصیره المتعظین*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی.

کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار*، تصحیح جمعی از محققان، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

مصباح، محمدتقی، ۱۳۸۳، *به سوی تو*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

____، ۱۳۹۱، *خداشناسی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مفید، محمدبن محمدبن نعمان، ۱۴۱۳ق، *الأمالی*، تصحیح حسین ولی و علی‌اکبر غفاری، قم، کنکرة شیخ مفید.

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۱، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

____، ۱۳۸۶، *پیام قرآن*، چ نهم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

هاشمی خوئی، میرزا حبیب‌الله، بی تا، *منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه*، ترجمه حسن حسن‌زاده آملی و محمدباقر کمره‌ای، تهران، مکتبه الاسلامیه.